

پرستو رحیمی – تاریخ‌پژوه | «شهر تهران که

در دشتی کم‌آب نزدیک حاشیه کویر قرار گرفته به استثنای راه‌هایی که در اثر عبور ستور ایجاد شده دارای جاده‌های مواصلاتی نیست، هیچ بنای معظم عمومی ندارد، در آن از برج و مناره اثری نیست، مسجد معظمی ندارد. نمای خانه‌ها که همه‌از خاک خاکستری است با سقف‌های مسطح بی‌رنگ جمعا بدان حالت گروهی از تپه‌های خاکی نامنظم می دهد. شهر مطلقا دارای هیچ صنعتی نیست و بنابر این کارخانه‌ای هم در آن وجود ندارد. تجارت منحصر است به رفع حوایج محلی و به همین دلیل سیل کالا به طرف آن شهر جاری نیست. خلاصه بگویم هیچ چیز آن شهر بیننده را به یاد شهری بزرگ نمی‌اندازد.» این توصیف‌ها، ویژگی‌هایی دگرگونه‌از شهر تهران با آنچه امروز می‌بینیم از دید یک پزشک اتریشی نشان می دهد که در دوره ناصرالدین شاه قاجار به ایران سفر کرده است. این پزشک جهانگرد هنگامی که به پایتخت ایران نزدیک می‌شود آن را از ویژگی‌هایی دور می‌داند که پایتخت‌های اروپایی دارند. او از این دیدگاه تاسف می‌خورد که اگر مسافر بیگانه‌نند به کدام شهر در حرکت است، اساسا نخواهد پنداشت به پایتخت کشوری بزرگ همچون ایران رسیده است. این پزشک اروپایی، از ورود به تهران و محله‌ها و بازارهای درون حصار شهر، به تفصیل سخن می‌راند؛ به ویژه که اندکی پس از اقامت در ایران، به عنوان پزشک دربار ناصرالدین شاه نیز به گزیده می‌شود و آگاهی‌هایی که در باره ارگ سلطنتی به خواننده می‌دهد، اهمیتی فراوان دارد.

دکتر یاکوب ادوارد پولاک، پزشک ماجراجوی اتریشی در واقع در سال ۱۲۲۴ خورشیدی به دعوت میرزا داود خسان ارمنی، نماینده تجاری دولت ایران به ایران دعوت شد که با دستور میرزا قلی خان امیر کبیر، صدراعظم، برای به کارگیری چند مهندس، افسر نظامی، پزشک و کارشناس فنی برای تدریس در مدرسه تازه‌بنیان دارالفنون تهران به وین رفته بود. پولاک که به مطالعه درباره مشرق‌زمین علاقه داشت از پیشنهاد داود خان استقبال کرد و در سال ۱۸۵۱ میلادی برابر با ۱۲۲۹ خورشیدی به تهران آمد و تا نه سال بعد در ایران ماند. او شش ماه نخست ورود به ایران را به فراگیری زبان فارسی پرداخت و نیز کتاب‌هایی مهم در زمینه پزشکی به دستپایر یا شاگردان خود نگاشت. ساخت و ایجاد بخش جراحی و بنیان‌گذاری بخش سپار معاینه و تجویز، که تا آن زمان در ایران پیشینه نداشت، او را پزشکی کارا گاه و دلسوز به جامعه ایران معرفی کرد و بر شهرتشی افزوده به گونه‌ای که ناصرالدین شاه پس از گذشت از نست کلو که پزشک فرانسوی دربار قاجار، دکتر پولاک را حکیم‌باشی ویژه خود کرد، پزشک اتریشی بدین ترتیب به دربار و ارگ سلطنتی قاجار راه یافت. توصیف او از ارگ سلطنتی تهران، بازار و محله‌های دارالخلافه می‌تواند جزئیاتی جذاب به ما واگذارد.

تضادطبقاتی‌چشم‌گیر

پولاک در آغاز ورود به شهر، از حصار و باروی نه چندان محکم آن سخن می‌راند و درباره چهار محله اصلی تهران صحبت می‌کند. او به بالا و پایین شهر اشاره کرده است؛ نکته‌ای که نشان می‌دهد تهران، تضاد طبقاتی را از روزگار قاجار آموده است «عرضه داخلی شهر تقسیم می‌شود به ارگ، که به سهم خود با محیطی برابر با ۱۸۲۲ متر با دیواری بلند و چینه‌ای و خندقی احاطه شده است و چهار محله که از میان آنها جدیدتریش که در شمال شرق است و در باغشانی بنا شده، برآب‌ترین، سالم‌ترین و مرتفع‌ترین محله‌ها به شمار می‌رود و به محله ششمیران موسوم است. محله حوست ارگ بر جمعیت‌ترین ولی کم‌آب‌ترین محله‌هاست و کاروانسراها و بازارها را در خود جای داده است؛ به آن محله‌شاه‌عبدالعظیم می‌گویند. محله غربی یعنی محله سنگلج بیشترین قصور را شامل می‌شود و در عوض جنوب شرقی یا چاله میدان فقیرترین و غیر بهداشتی‌ترین محله‌هاست.» تضاد طبقاتی در ظاهر و امکانات به اندازه‌ای بوده که توجه پزشک اتریشی را به خودکشانده است.

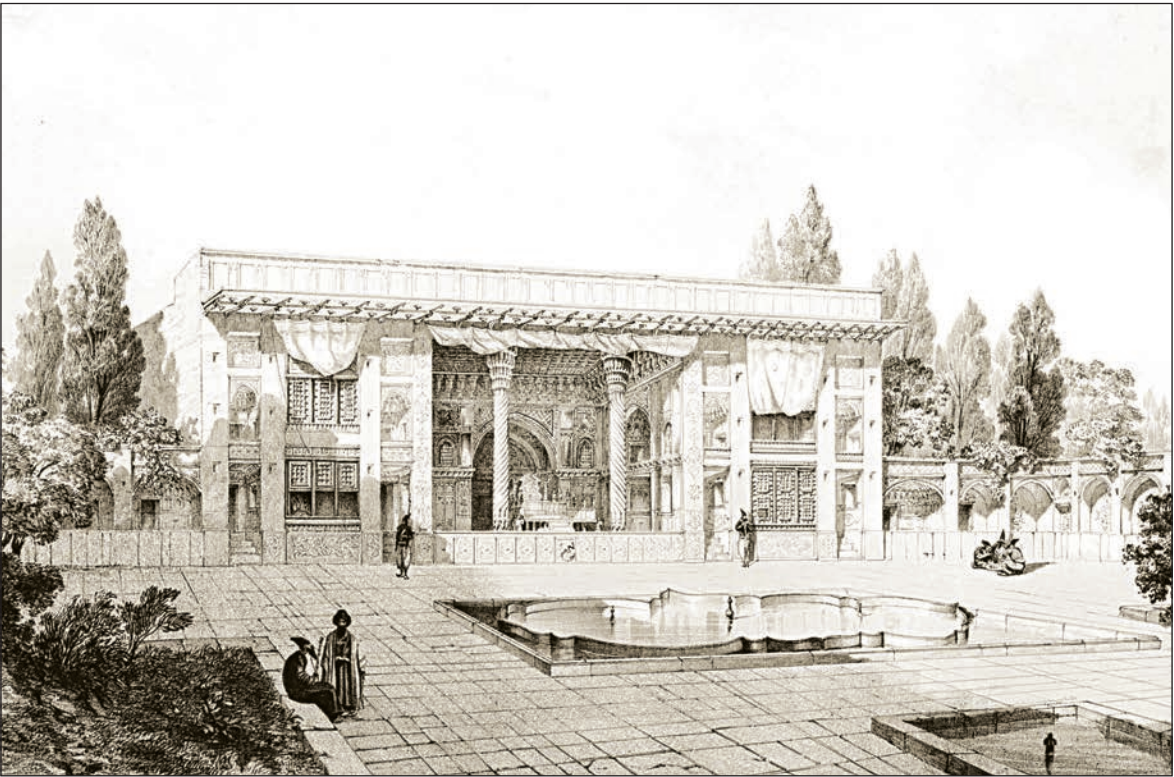
بازار امیر

پولاک به بازار و شیوه خرید و فروش مردم و کاسبان، بسیار دقت کرده، از انواع بازار در تهران از جمله دایمی، موقتی و فصلی سخن گفته و سرانجام به سودمندی‌ها و زیان‌باری‌های هر یک اشاره کرده است. او از بازار امیر نام می‌برد که در دوران صدارت امیر کبیر ساخته شده و آن را دیدنی‌ترین بنا پس از قصر سلطنتی در این شهر

پزشک اتریشی چه توصیفی از ارگ سلطنتی قاجار ارایه می‌دهد

خانه‌ای روی آب

◀ تضاد طبقاتی تهران عصر قاجار از نگاه ادوارد پولاک



نقشه مرمر ارگ سلطنتی در اوایل دوره قاجار / نقاشی: اوزان قلاندر

زده شده به ارگ می‌توان وارد شد. در داخل ارگ مقر و منزل شاه‌قرار دارد با همه باغ‌ها، حیاط‌ها، کوشک‌ها و حرمایش ارگ که محیط آن به ده هزار و هشتصد متر بالغ می‌شود با کمی دیوار چینه‌ای محاط شده است. از آن گذشته ارگ دارای قصور بیشتری هم هست که به صدراعظم و وزیر جنگ تعلق دارد و عمارت مخصوص سفارت روس، مدرسه نظام، توپخانه جدیدالتاسیس تقی‌خان، بازار وسیع امیربا کاروانسراهایش ساخته شده و سایر وراثت آن مجلل است؛ حیاط‌ها و باغچه همه هم تنگ و هم کوتاه بود تا آنکه در زمان وزارت میرزا تقی‌خان، بازار وسیع امیر با کاروانسراهایش ساخته شد. وسایل و اثاث آن مجلل است؛ حیاط‌ها و باغچه همه باشکوه ساخته شده و بعد از قصر سلطنتی دیدنی‌ترین چیز سراسر شهر به شمار می‌رود. بازارهای دیگر، که از نظر زیبایی در درجات بعد قرار دارد در دنبال این بازار ساخته شده است، یا در خیابان‌های دورتر واقع است. به موجب یک رسم قدیم پیشه‌وران یک رشته خاص برای خود بازاری را در اختیار دارند، و همچنین بازار گانز اهل یک شهر معین صنعتی، مثلا یزد، کاشان، کرمان، وغیره در کاروانسرای معینی سکنی گرفته‌اند.»

بازارچه‌های کناری

بازارچه‌هایی نیز در محله‌ها به فروختن نیازمندی‌های روزمره مردم می‌پرداخته‌اند که به نوشته دکتر پولاک با بهره‌گیری از تنه‌های درختان و پارچه ساخته می‌شده‌اند تا پس از پایان کار گردآوری شوند. وی به این بازارچه‌ها و این که چهره شهر را به زشتی کشانده‌اند، خرده می‌گیرد «غیر از بازار بزرگ تعدادی بازارهای کوچکتر هم به اسم بازارچه وجود دارد. دو خانه که در کنار هم قرار دارد را با تنه‌های درخت تبریزی به هم مربوط می‌کنند، روی آن سقفی از شاخ و برگ می‌زند و اطراف آن را در خود حفظ از تابیدن آفتاب با پارچه‌های کهنه کناری می‌پوشانند. این کتان‌ها در اثر باد و باران تکه‌پاره می‌شود و منظره نفرت‌انگیزی ایجاد می‌کند. در این خیمه‌وارها، خرده‌فروش‌ها، تجار‌ها، پینه‌دوزها، سبزی و میوه‌فروش‌ها جای می‌گیرند. تقریبا هر هفته، به خصوص در بهار یکی از این بازارچه‌های موقتی در هم کوفته می‌شود و می‌ریزد.»

ارگ تهران

ادوارد پولاک پس از گذر از سبزه میدان و شگفتی از این که در میدان‌های ایران نیز مغازه‌هایی قرار گرفته‌اند که به خرید و فروش خواروبار می‌پردازند، به ارگ سلطنتی نزدیک می‌شود: «همین بزرگ‌شهر، موسوم به سبزه میدان با عبور از پل کوچکی که بر فراز خندق

منابع تاریخی درباره دارالخلافه ناصری چه روایت می‌کنند

ارگ تهران، سرشار از تاریخ



میدان شاه‌نور، در اوایل دوره قاجار / نقاشی: اوزان قلاندر

دستگاه‌ها و ارگان‌های مهم دولتی را در خود جای داده بود. ارگ تهران نیز همانند دیگر قلعه‌های شهری، تاسیسات جداگانه دفاعی داشته و لبه‌های برج و باروهای اطراف ارگ تهران از معماری ویژه برخوردار بوده است. چنانچه از عکس‌های تاریخی برمی‌آید، لبه‌های حصار از خشت خام ساخته شده

پزشک اتریشی چه توصیفی از ارگ سلطنتی قاجار ارایه می‌دهد

خانه‌ای روی آب

◀ تضاد طبقاتی تهران عصر قاجار از نگاه ادوارد پولاک

ویکتوریای روس سکویل‌وست در خانواده‌های اشرافی

در انگلیس به دنیا آمد. او بعدها شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگاری شد که به همراه همسرش سر هارولد نیگلسون در سال ۱۹۲۶ میلادی برابر با ۱۳۰۴ خورشیدی به ایران آمدوبرخی شهرهای ایران همچون تهران، اصفهان و قم را از نزدیک دید. انگیزه او در میان دیگر جهانگردان تاریخی که به ایران آمده‌اند به گونه‌ای متفاوت است، به ویژه که وی نویسنده و رمان‌نویس به شمار می‌آمد و دغدغه‌های او نه مأموریت دیپلماتیک، نه نظامی و نه اقتصادی بود. همین دغدغه‌های شخصی و بیان ویژه، ادیبانه و هنرمندانه وی را در جای‌جای سفرنامه‌اش «مسافر تهران» می‌توان به تماشانشست. او دوست نزدیک نویسنده مشهور، ویرجینا ولف بود، از جنبه‌هایی بسیار به ویژه در نگارش، از او تاثیر پذیرفته است. سکویل‌وست، برگرفته از همین نگرش ادبی، سفرنامه‌ای از دیگران متفاوت نگاشته است. روایتی بسیار خواندنی و جذاب، او که به تهران هم سفری داشته، پایتخت ایران را در سال پایانی حکومت قاجار و در آغاز روی کار آمدن دولت پهلوی اول، شهری بی‌جان به توصیف کرده است. او درباره بازارهای پایتخت چنین نوشته است «خود تهران از بازارهای که بگذریم، هیچ جاذبه‌ای ندارد. شهری است زنده، پسر از کوجه‌های بد و انباشته از زباله و سگ‌های ولگرد در دشتک‌های بدرخت که اسب‌های بدبختی به آنها بسته شده، چند ساختمان با ادعای زیادی و خانه‌های فلک‌زده‌ای که به نظر می‌رسد هر لحظه‌ای فرومی‌ریزند. اما همین که از شهر بیرون می‌روید همه چیز عوض می‌شود. از یکسو شهر تهران درون حصار گلی‌اش زنده‌ای شده و حومه‌ای بر آن افزوده نشده که شهر را گسترش دهد. شهر است و بیرون آن ده یا

توصیف بانوی رمان‌نویس انگلیسی از پایتخت

یک ده بزرگ با بازارهایی راز آلود

طبیعت. از سوی دیگر شهر آنچنان در پستی قرار دارد که از دور به سختی دیده می‌شود. همچون تکه بزرگی از سبزه به چشم می‌آید با سحافتی از دوده آبی‌رنگ. من آن را شهر می‌خوانم اما تهران یک ده بزرگ است.» دیدگاه شاعرانه او در تشبیه بازارهای تهران با درختش از نور خورشید، او را به یاد تابلوهای رامبرانت، نقاش پروازه اروپایی می‌اندازد. «بازارها با سقف طاقی پوشیده‌اند و در سایه روشنی فرورفته‌اند که بر تو خورشید آن را با سایه روشن تابلوهای رامبرانت نقاش برجسته هلندی همانند می‌کند. به هیچ‌تردید درازی آنها به کیلومترها نمی‌رسد. در دو کنار آنها ده‌کهای کوچکی ردیف شده‌اند که بعضی از آنها ده کم نیستند بلکه طبق‌های ساده‌ای هستند. آنقدر کوچکند که نتوان گفت کدامیک از دیگری بزرگتر است اما توان گفت که کدامیک کوچکتر از دیگری است. کوچکترین آنها به اندازه یکی جارچی است. بازارهای دیگری هست برای رسته‌های مشاغل و کالاهای گوناگون، از جمله بازار چرم‌سازها که بسیار آرام ولی پر کار و پرآب و رنگ است. بر این دالان بیخ دربیخ طاقی، سقف تاریکی است که فرمان می‌راند. تاریکی خاصی که ناگهان بر تو نور آن را می‌شکافد. از سوراخ‌های گردی که در سقف بازار است، نور خورشید، لکه‌های دایره شکل بر کف بازار می‌نشانند. همه این تاریکی واقعی نیست، احساس تاریکی هم بر تاریکی می‌افزاید. از میان همه اینها من ده‌ک‌های قهوه‌ای رنگ بندرفروش‌ها را ترجیح می‌دهم که اسلوب… ساده و هماهنگ دارند. ترازوهای مسی آنها در کبهه‌ای بزرگ دانه‌ها و بذرها می‌درخشند. مشرزمین هرگز رنگ‌های تابناک را به یاد من نمی‌آورد، بلکه همیشه رنگ قهوه‌ای را خاک، پوست مرد مورنگی که هوایر اشیایی اندازد قهوه‌ای هستند.»

عود لاجان اعیان‌نشین

که یکی از محله‌های قدیمی و با سابقه تهران محسوب می‌گردد، نمونه‌های بسیاری از اینگونه معماری می‌توان یافت. خانه سلطان بیگم هم اکنون در تملک سازمان فرهنگی و هنری شهرداری بوده و به نام «خانه فرهنگ محله بازار» شناخته می‌گردد. این خانه با قدمت ۱۵۰ سال و به مساحت ۸۰۰ متر مربع متعلق به خانم سلطان بیگم و منسوب به عمه ناصرالدین شاه است. زیرزمین آن به گالری تغییر کاربری پیدا کرده، سقف این زیرزمین دارای آجر کجی‌های طرفی است که توجه بر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند. تالار آیینه‌خانه آن به همان صورت نگهداری می‌شود. میدان مشق نیز در زمان فعلی شاه قاجار بنیاد نهاده شده و در دوره ناصرالدین شاه تجدید و توسعه یافت. پس از آشکار شدن ضعف ایران در فنون نظامی و اعزام ژنرال گلران به ایران، او را در زمین بزرگی بیرون از باروی آن زمان تهران که به میدان مشق معروف شد به آموزش ارتش ایران مشغول داشتند. در زمان ناصرالدین شاه با گسترش تهران، میدان مشق در داخل شهر قرار گرفت. بعضی مواقع ناصرالدین شاه از بالای آن به تماشای بعضی نظامیان مشغول می‌شد. در نخستین سالهای حکومت رضا شاه این میدان با تغییراتی که در آن به وجود آمد به نامی تغییر نام یافت و سرسرد ناصری نیز تخریب و به جاسی آن بنای جدیدی به نام سردر باغ ملی ساخته شد. این میدان وقایع تاریخی مهمی را به خود دیده است. از جمله آنها می‌توان به اعلام مبارز رضا قزاقی معروف به میرزا رضا کرمانی ضارب ناصرالدین شاه و همچنین اعدام شیخ فضل الله نوری اشاره کرد.»

برگرفته از وبلاگ «گروه طبیعت‌گردی هورشید»
hooorshid.persianblog.ir

عتیقه‌باز سرشناس فرانسوی در شهر قم

یازدید کرد. او در این سفر در آثار تاریخی پیرامون قوچان نیز کاوش‌هایی انجام داد. سفر دیگری وی سال ۱۹۰۷ میلادی برابر با ۱۲۸۵ خورشیدی بزمی‌گرد کرد که هم‌زمان با جنبش مشروطیت ایران و آج‌نگذاری محمدعلی شاه قاجار به ایران وارد شد. وی در این زمان از وزارت فرهنگ فرانسه مجوز حفاری باستان‌شناسی و سرانجام همه آنها را با خود به فرانسه برد مجموعه‌ای بزرگ از این وسایل قیمتی پدید آورد. علاقه دالمانی به گردآوری عتیقه‌ها به اندازه‌ای بود که به هنگام ورود به در متعلقه، به عنوان نمونه شهر قم، بی‌درنگ به سراغ مغازه‌های اشیای عتیقه می‌رود «شنیده بودیم که در قم ایشیا آنتیک زیاد پیدا می‌شود. یک ارمنی تلگر لقی ما را به دفتر خود برد و یک تکه از آفتابه شکسته‌ای را به ما نشان داد و گفت چند روز دیگر برفیق ما آن را هم برای شما فراهم کردیم. ما گفتیم آن را خریداری نماید تا در موقع مراجعت از اصفهان آن را خریداری کنیم.» کلکسیون هنری رنه دالمانی گویا تاکنون یکی از کلکسیون‌های مهم و پرآوازه‌های پراکنش است و بازماندگان او آن را به دقت نگه داشته‌اند تا علاقه‌مندان از تماشای آن بهره‌مند می‌شوند.او همچنین از تعدادی قابل توجه ایشیا و وسایل را که امکان جابه‌جایی‌شان به فرانسه نداشت، نیز مکن‌ها، آثار و شهرها عکس برداشت و بعدها تصویر آن‌ها را به کتاب سفرنامه‌اش افزود.

دالمانی، بخشی از سفرنامه خود را همچنین به توصیف وضعیت شهر قم در روزگار قاجار اختصاص داده است. او درباره حرم مطهر حضرت معصومه (س) می‌نویسد «امداد که چشم‌گشودیم، نظرمان به مقبره باشکوه حضرت فاطمه اس افتاد که کنبد طلائی و مناره‌های آبی رنگ آن ایهت و جلوه خاصی داشت. سر در مقبره و حواشی آن با کاشی‌های نفیسی زینت یافته و در اطراف مقبره هم باغ‌های زیادی دیده می‌شد فرانسوی به نام «سزازی» که در آن زمان در استخدام گمرک ایران بود به خراسان رفت و از شهرهای مشهد، نیشابور و قوچان و سپس در بازگشت، از قم و تهران

ارش ملکی مجد، نویسنده وبلاگ «هورشید»،

درباره بازار و محله عودلجان که یکی از قدیمی‌ترین محله‌های تهران قدیم به‌شمار می‌آید، توصیفی جذاب کرده است «در هنگام قدم‌زدن در خیابان ناصر خسرو اگر کمی حوصله بخرج دهید و بر در و دیوار این خیابان چشم‌پجرتانید حتما آثاری از تهران قدیم از جیگری گرفته تا کاشی‌کاری‌های زیبا و یا ساختمان‌هایی مانند دارالفنون خواهید دید، پس این موقیعت را از دست ندهید. ساختمان مرکزی بانک تجارت در ضلع شرقی میدان امام خمینی (توپخانه) و یکی از شاخص‌ترین ساختمان‌های موجود در این میدان که به وسیله باغی‌های برافراشته یادگار مانده از دوران قاجارش، بیش از تنه‌ای دیگر میحان خودنمایی می‌کند. پس از آنکه تصمیم گرفته شد تا در ایران نیز بانک برپا شود، بانک شاهنشاهی برای افتتاح شعبه مرکزی خود در تهران، عمارت شرق میدان توپخانه را از اغلب این نوع بنا که یادگاری بیخ می‌افتادم. در بین یاقوت‌های شرقی قطعه‌ای هست به بزرگی گردو و از کاخ دهلی به بغما گرفته شده و در پشت آن نام تمام سلسله‌های مغول حک گردیده است.»

افزون بر بنای عجیب حرم‌سرای زنان شاه و سادگی

چینش آن‌ها، وضعیت معماری تند و تیزشان، تاسف‌او را موجب می‌شود و نیز بهره‌گیری از گل در ساخت این بناها شگفتی‌وی را برمی‌انگیزد «سازایی و اثاث اتاق‌ها ساده‌تر از سایر حرم‌سراهای شهر است. تازه این اواخر شاه دستور داد برای همسر سوغلی خود در حیاط اول بنایی بسازند که به سلیقه ایرانی‌ها مجلل و باشکوه است، اما این ساختمان بیخ می‌افتد. سازه‌های قدیمی در خیابان ناصر خسرو تهران است. این مسجد مربوط به دوره قاجار و توسط دوستعلی خان معیرالممالک ملقب به نظام‌الدوله خزانه‌دار و رئیس ضرابخانه دوره ناصرالدین شاه ساخته شده‌است. همچنین باید از بنای زیبای خانه سلطان بیگم یاد کرد. آئینه در فرهنگ ایرانی نماد پاک، راستی و صداقت است و به همین دلیل است که ایرانیان از آئینه در خانه، این‌ها و مراسم و حتی معماری بسیار استفاده می‌کنند. از آئینه در معماری به منزله عنصری آشنایی و به دلیل جذب نور بیشتر و ایجاد محیطی دل‌انگیز استفاده شده است. استفاده از آئینه در تزئین بنا یا معماری ابتکار هنرمندان ایرانی و واج شوک‌فانی این هنر مربوط به دوره قاجار می‌باشد. در محله عودلجان تهران

ممكن است در هم بریزند.»

همه مطالب درون گیومه از «سفرنامه پولاک؛ ایران و ایرانیان» آورده شده است.